

درآمدی بر فراوان‌شناسی کریستوفر بولاس
(روانکاوی معاصر)

فهرست مطالب

فراروانشناسی کریستوفر بولاس.....	۷
مقدمه مترجمان.....	۱۰
مقدمه دکتر محمود دهقانی.....	۱۵
پیش‌گفتار.....	۱۷
دیباچه.....	۲۰
مقدمه.....	۲۲
فصل اول: دوگانگی‌های روان.....	۲۹
فصل دوم: ناخودآگاه پذیرا و شبکه روان زایا.....	۳۴
فصل سوم: ایدیوم.....	۴۷
فصل چهارم: معرفت نااندیشیده.....	۶۱
فصل پنجم: رابطه با سلف.....	۶۹
فصل ششم: کاراکتر و ارتباط متقابل.....	۸۱
فصل هفتم: ابژه‌های برانگیز.....	۸۸
فصل هشتم: پیچیدگی ناخودآگاه.....	۱۰۳
فصل نهم: تداعی آزاد.....	۱۱۲
فصل دهم: دونفره فرویدی.....	۱۲۹
فصل یازدهم: تفاوت ره از کجا تا به کجا.....	۱۴۲
فصل دوازدهم: یک نظریه یکپارچه.....	۱۵۶
ضمیمه.....	۱۶۱
واژه‌نامه.....	۱۷۶

مقدمه

کریستوفر بولاس سهم عمده‌ای در روانکاوی معاصر داشته است. علاوه بر کارهای نظری و بالینی و آسیب‌شناسی روانی، او دانش خود را در حوزه‌های دیگر همچون ادبیات، معماری، تاریخ، انسان‌شناسی اجتماعی، و ضمناً در سیاست‌های دنیای روانکاوی و مسأله‌رانداری به کار برده است.

بولاس در کالیفرنیا بزرگ شد و در دانشگاه برکلی به رشته تاریخ پرداخت و سپس حرفه بالینی‌اش را در سال ۱۹۸۷ آغاز کرد. او به مدت دو سال در یک مرکز نگهداری روزانه کودکان اوتیستیک و اسکیزوفرنیک در اوکلند کار می‌کرد. در آنجا اصول نظری آنا فروید، برونو بتلهایم و مارگارت ماehler حاکم بود، اما او در کار با بچه‌هایی که شدیداً آشفته‌حال بودند متوجه گرایش خود به روانکاوی بریتانیا و کار نویسندگانی چون کلاین، وینیکات و توستین شد.

ضمن تحصیل در مقطع دکترای ادبیات انگلیسی در دانشگاه بوفالو، در دوره‌های آموزشی روان‌درمانی تحلیلی که برای دانشجویان ارشد و دکتری غیرپزشکی برگزار می‌شد، شرکت کرد. سپس در زمینه مددکاری اجتماعی از اسمیت کالج مدرک صلاحیت گرفت و روانشناسی ایگو را ضمن کاروژری در بیمارستان اسرائیلی بث در بوستون آموزش دید.

در سال ۱۹۷۳ به لندن رفت و در کلینیک توئیستوک به تحصیل و کار پرداخت. آنجا در بخش بزرگسالان به طور ویژه از روانکاوان گروه مستقل و طرفداران بیون تأثیر پذیرفت و در بخش کودک و نوجوان همراه با فرانسیسکو توستین، دونالد ملترز و مت هریس تحصیل می‌کرد. در همان زمان در انستیتوی روانکاوی آموزش می‌دید و در سمینارهای فرویدی‌های کلاسیک، گروه مستقل و کلاینی‌ها شرکت می‌کرد. در آنجا از

پائولا هایمن، ماریون میلنر، کلیفورد یورک، و اریس برنمان، نظارت بالینی (سوپرویزن) می گرفت.

او در طول این دوره با کار در کنار پونتالیس و آندره گرین، به روانکاوای فرانسه نیز علاقه‌مند شد. بولاس به مدت ۲۰ سال استاد روانکاوای مدعو در دانشگاه رم بود، و بیش از ۳۰ سال کارگاه‌هایی را برای روانکاوانی در سوئد، آلمان و آمریکا برگزار کرد. او یکی از بنیان‌گذاران گروه اروپایی مطالعات «افکار ناخودآگاه»^۱ بود.

بسیاری افراد، تعدادی از مقالات بولاس را خوانده‌اند و با مفاهیم وی نظیر معرفت *نااندیشیده* و *اثره دگرگون‌ساز آشنا هستند*. نوشته‌های او، افرادی با طرز فکر خاص را به سرعت جذب می‌کند. او در قالب مفاهیمی همچون خلاقیت، تجارب زیبایی‌شناختی، بی‌همتا بودن شخصیت انسان و امثالهم، ایده‌های نسبتاً مثبت^۲ و جذابی می‌آفریند. اما فقط با مطالعه جامع و دقیق آثار وی می‌توان قدرت ذکاوت و انسجام درونی افکارش را درک کرد؛ چیزی که نظریه و تکنیک را، بهنجاری و نابهنجاری را کنار هم می‌نشانند، و یک واکاوی بی‌نظیر از ارتباط تنگاتنگ بین تجربه ذهنی درونی شخصی و جهان ایزه‌های بیرونی ارائه می‌دهد.

از جوانب بسیار، دستاوردهای علمی بولاس قطعاً تحت تأثیر گروه مستقل بریتانیایی بوده است، و او موضوعاتی را توسعه داده که از همان روزهای آغازین روانکاوای بریتانیا مایه دلمشغولی نویسندگان مستقل بود. تفکرات او متأثر از کوهات، بیون و لکان نیز بوده است و خصوصاً از نظریه مبدعانه^۳ وینیکات درباره رابطه بین نوزاد و مادر، و مفهوم «فضای بینابینی» در ذهن - که عرصه خلاقیت و تخیل است - تأثیر پذیرفته است.

البته اولین و مهمترین فرد تأثیرگذار بر وی همانا فروید بود و در واقع کارهای بولاس بر مبنای خوانش عمیق وی از فروید استوار شد. در برخی موارد اساسی، بولاس از ایده‌های فروید که برخاسته از نگاه شهودی او بود - ولی بعضاً به خاطر محدودیت های شخصیتی فروید مورد اقبال و واکاوی لازم وی قرار نگرفته بود - الهام گرفت.

1. The European Study Group for Unconscious Thought

2. Feel-good

3. Ground-breaking

همچنین در آثارش به تأثیرات متعددی اشاره دارد که از فضای بیرون از روانکاوی الهام گرفته است؛ از کسانی همچون باچلارد، رولان بارت، ملویل، کامو، یونسکو، هایدگر، دریدا، ماهلر، کانت و ویلم دکونینگ. بولاس در مصاحبه با آنتونی مولینو^۱ می‌گوید:

من فکر می‌کنم طرز نقاشی دکونینگ چیزی از جنس ضمیر ناخودآگاه را به تصویر می‌کشد؛ در بروز بافتار، فکر، بلندنظری و همتش یک چیزی وجود دارد، و در طرز محو کردنش هم همین‌طور... محو کردن خطوط خاص و اشکال خاص که سپس روی آنها باز نقاشی می‌کشد... اما خطوط پاک شده هنوز یک جایی هستند... یک چیزی درباره نگاه او، نگاه او و نگاه دوباره^۲ او به راستی با من حرف می‌زند. آنچه که او به من آموخت - چیزی شبیه نظریه واکنش معوق^۳ فروید - این بود که ضمیر ناخودآگاه فقط یک انگاره^۴ نیست، بلکه یک بازنگری^۵ است. بنابراین وقتی شخصی دارد خودش را می‌نویسد، ضمن آن بارها و بارها و بارها ویرایش می‌کند، می‌برد^۶، می‌چسباند^۷ و مرور و بازنگری می‌کند. ۱

این حجم کم نظیر منابع تأثیرگذار و وسعت نظر ناشی از آن، بولاس را به یک طرفدار متعهد کثرت‌گرایی تبدیل کرده است. با توجه به این امر، حیف است که او (حداقل تاکنون) به واکاوی جزئیات تفکر یونگی نپرداخته است. سمینارهای من در مورد کارهای بولاس بسیاری از همکاران یونگی را جذب کرده و جالب است که آنها با ابعاد خاصی از تفکرات بولاس احساس راحتی بیشتری دارند تا آموزه‌های سنت فرویدی. به نظر من کار بولاس این پتانسیل را دارد که بین این دو دنیا که متأسفانه به علت عداوت‌های گذشته از هم دور مانده‌اند، پیوندی نو برقرار کند که این بسیار هم بر ضرورت می‌نماید.

1. Molino, A. (ed.) (1997) *Freely Associated: Encounters in Psychoanalysis* London: Free Association Books, p.34.

2. His vision, his vision and re-vision

3. Deferred action

4. Envisioning

5. Re-visioning

6. cut

7. paste

سبک نوشتاری بولاس بسیار شخصی و متمایز است؛ به خصوص در اولین کتاب‌های وی ما شاهد ردپایی از زندگی قبلی او به عنوان یک استاد دانشگاه هستیم. نوشته‌های او اغلب فشرده و سنگین، و شامل ارجاعات ادبی و فلسفی بسیار است. و مباحثه او گاه پیچیده و بغرنج است. البته قسمت‌های فشرده و پیچیده کتاب معمولاً با ارائه حکایاتی از زندگی خود و دیگر امور روزمره همراه می‌شود و بین این مفاهیم انتزاعی ناب و تجارب روزمره تعادل برقرار می‌کند و بدین ترتیب خواننده را به تکاپو می‌اندازد تا خویشتن را در مناسبتی جدید با امور آشنا و مألوف^۱ قرار دهد. گاه با یک پدیده خیره‌کننده روبه‌رو می‌شویم: سبک نگارش وی، مظهر عینی آن چیزی است که دارد توصیف می‌کند. وقتی غرق در واژه‌های او هستیم، صرفاً ایده‌های خردورزانه کسب نمی‌کنیم؛ ما خود را در حال تجربه کردن چیزی مربوط به دنیای درون می‌یابیم. زبان او می‌تواند مختص و منحصر به خودش باشد. ممکن است از یک واژه معمولی به شکل غیر معمولی استفاده کند- مثلاً واژهٔ «پروشنال»^۲ به یک پروسس^۳ (فرایند) اشاره می‌کند نه به یک پروشن^۴ (دسته یا کاروان)- و اگر واژه مناسبی برای بیان مدنظرش پیدا نکند، خرسندانه دست به ابداع یک واژه جدید می‌زند. اصطلاحاتی همچون «شخصیت شبح‌وار»^۵ «بیماری بهنجاری»^۶ و «بیناشکلیت»^۷ حاکی از تفکر خلاق او در ساختن واژه‌های جدید است. و این واژه‌سازی‌ها اغلب از قدرت تخیل او در فراتر رفتن از مرز مفاهیم حکایت دارد.^۲

روانکاو در نظر بولاس، برج عاج^۸ نیست. اگرچه گاهی تفکرات وی ثقیل به نظر می‌رسند، اما با تجارب زیستهٔ ما گره خورده‌اند. او ضمن خلق یک پیوستار بین ذهنیت نرمال انسان و انواع علائم آسیب روانی، زبان روانکاو را به بسیاری از ابعاد جامعه و فرهنگ بسط می‌دهد. او یک مدل جامع از ساختار و کارکرد روان ارائه می‌دهد، اما ظرائف و جزئیات پررنگ زندگی را نیز به کلام در می‌آورد: رگه‌ای از یک فکر، یک

-
1. The familiar
 2. Processional
 3. Process
 4. procession
 5. Ghostline personality
 6. Normotic illness
 7. Interformality

۲- منظور والاجایگاهی صرفاً نظریه‌پردازانه و روشنفکرانه که بریده از اجتماع و دغدغه‌های معمول روزمره مردم است. م.

لحظه فرار از تجربه خویشتن خویش. از طریق مفاهیمش به ما روش فکر کردن می‌دهد تا به این بیندیشیم که در سر ما چه می‌گذرد؛ درعین حال غافل از این نیست که نهایتاً چیزی در خویشتن ماست که از بیان و دسترس ما خارج است. اگر کارهای او را به ترتیب زمانی بخوانیم، می‌بینیم که از همان ابتدا تصویری از ذهن ارائه می‌دهد؛ اما مدل فراوانشناسی او به صورت یک کلیت و یک‌جا نیامده است و همین برای خواننده مشکل ایجاد می‌کند. ردگیری یک عنوان خاص در میان مقالاتش کار سختی است و مفاهیم اساسی به راحتی گم می‌شوند. در سمینارهایم اغلب با افراد مشتاقی برخورد کرده‌ام که ضمن علاقه فراوان به آثار بولاس، در فهم مبانی تفکر او دچار مشکل بودند.

کتاب حاضر تلاشی است برای کمک به این وضعیت. این کتاب یک نقشه راهنما به خواننده می‌دهد تا نظریه‌های زیربنایی مدل او را بهتر درک کند. هدف کتاب نقد و یا مطالعه تطبیقی یا درآمد جامعی بر کل آثار او نیست. برای خواننده‌های علاقه‌مند، لیست موضوعی مقالات وی در ضمیمه آمده است. این کتاب نه به ترتیب زمانی، بلکه به ترتیب موضوعی عناصر کلیدی فراوانشناسی بولاس چیده شده است. اگرچه مفاهیم مختلف متقابلاً به هم وابسته هستند، اما به شیوه خطی ارائه شده‌اند و هر مفهوم در جای خودش باز می‌شود. و درست مانند ذهن که به مرور از سادگی به سمت پیچیدگی می‌رود، هر فصل از مفاهیم فصول قبلی استفاده می‌کند و لذا سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. این رویکرد تراکمی بر این است که نشان دهد چگونه تک‌تک عناصر واژگان مفاهیم کنار هم‌دیگر جمع می‌شوند تا یک نظریه منسجم را بسازند.

موضوع فصل اول کتاب، اصل دوگانگی است که به شکل‌های مختلف در آثار بولاس حضوری کلیدی دارد. در فصول بعدی سایر عناصر تفکر او مطرح می‌شوند: ناخودآگاه پذیرنده و روان زاینده، ایدیوم و معرفت ناندیشیده، سلف و کاراکتر، ابژه برانگیز، پیچیدگی ناخودآگاه، تداعی آزاد و دونفره فرویدی. در فصل ماقبل آخر، دیدگاه او درباره تنوع رویکردهای موجود در روانکاوی معاصر بریتانیا مطرح می‌شود و فصل آخر حسن ختامی است که تمام رشته‌های فراوانشناسی او را یک‌جا به هم گره می‌زند. فصول ۲ تا ۱۱ با اشاره به نام مقالات کلیدی مرتبط با عنوان و یک لیست از مفاهیم کلیدی آغاز می‌شوند. با این کار کتاب به *واژه‌نامه زبان روانکاوی بولاس* تبدیل

شده است.

من مطالب را از منابع مختلف ترکیب کرده‌ام: از آثار متعدد او، تجربه کار بالینی تحت سوپروایز، مطالب منتشر نشده که به لطف ایشان در اختیار من قرار گرفت، و مباحثات و تعاملات شخصی با ایشان که بر فهم من بسیار افزود، که به خاطر آن بسیار سپاس‌گزارم.

آثار و طرز کار شگرف بولاس یک پاسخ خیلی شخصی بر می‌انگیزد؛ فکر پراکنده را به خود می‌خواند. از آنجایی که مایلم خوانندگان آزادانه پاسخ‌های درونی خودشان را دنبال کنند، هدف من روشن‌سازی مطالب بوده است و نه تفسیر آنها، البته بعضی مثال‌ها و تأکیدات مربوط به من هستند.

نقشه راه، جای سفر را نمی‌گیرد و این کتاب زمانی موفق خواهد بود که الهام‌بخش خوانندگان باشد تا خودشان بروند و کارهای بولاس را کاوش نمایند.

فصل اول

دوگانگی‌های روان^۱

بنای مدل فراروانشناسی^۲ بولاس بر دوگانگی‌های موجود در اصول بنیادین آن استوار است. این قطبیت‌ها به طرق مختلف در متون او رخ می‌نمایند از جمله:

مادرانه	پدرانه
محتوا	شکل
مشخص ^۱	در هم آمیخته
ادراکی	شهودی
فعال	بپذیرنده

ما با این حالات دوگانه از ابتدای تولد (حتی به شکلی پیش از تولد) روبه‌رو هستیم و این حالات دوگانه در لحظه‌لحظه زندگی به عنوان شکل‌های بودن بالقوه^۳ ما، درون ما و با ما هستند. مثلاً در نظر بگیرید آنچه بین دو حالتی تعادل و تنش تجربه می‌کنیم چطور بر زندگی درون‌روانی ما، و برخورد ما با دنیای بیرون تأثیر می‌گذارد. بولاس بارها به دوگانه نظم پدرانه و نظم مادرانه^۴ اشاره کرده است. در مرحله ابتدایی زندگی، نوزاد در بستر دونفره مادر فرزنددی، تجاربی از نحوه

1. Psychic dualities
2. Metapsychology
3. Merged vs delineated
4. Potential forms of being
5. Maternal and paternal orders

تغذیه، نگهداری و ارتباطِ مادر با خودش را حس می‌کند و از دل این تجارب، قواعدِ بودن و رابطه برقرار کردن را به طور ناخودآگاه جذب می‌کند.

موقعی که کودک زبان باز می‌کند، و به دنبال آن در دورهٔ ادیپی، او به واسطهٔ پدر، هم‌شیرها، بستگان و دنیای بیرونی به تدریج با واقعیت بیرون از خویشتن آشنا شده، و با ساختارها و الزامات عینی جامعه رو به رو می‌شود. همین‌طور کودک با مسائل دیگری از جمله آگاهی از تفاوت‌های جنسیتی، صحنهٔ اولیه^۱ و میل والدین نسبت به هم، چالش‌های رقابت، و نیاز به یک زبان مشترک جهت برقراری ارتباط رو به رو می‌شود. این شیوه‌ای از زیستن که نظم پدران بر آن حاکم است، در ابتدا به صورت احشایی^۲ تجربه می‌شود:

تمايز «لامسه‌ای» پدر از مادر، يا «حس کردن» پدر: پدر کسی که بوی تن متفاوت، شیوهٔ در آغوش گرفتن و حمل کردن متفاوت، نفس کشیدن، راه رفتن و تن صدای متفاوتی دارد.^۱

شیوه‌های منحصربفرد مراقبت مادرانه و پدران باعث می‌شود بالقوه دو دسته تجارب متمایز در کودک، هم در سطح حسی و هم در سطح تفکر و تخیل حاضر باشند. بولاس توضیح می‌دهد که چگونه حین فرایند تعریف خواب در جلسهٔ روانکاوی، کارکرد مادرانه و پدران در هم است. بیمار رؤیا را در دنیای وهم‌آلود درونی خصوصی خود، خواب می‌بیند؛ اما حین تعریف تلاش می‌کند تا آن را در قالب کلمات به تصویر بکشد. از بیمار خواسته می‌شود تا چیزی را که شخصی، درونی، برانگیز و آغشته به ظرائف هیجانی است، به صورت کلامی به یک دیگری بیرونی منتقل کند. بولاس اشاره می‌کند که اما رویکرد تحلیلی به فهم یک رؤیا، شامل هر دو حالت تجربه است:

اینجا فارغ از هرگونه تشویش است: فقط هر آنچه از رؤیا در ذهن تداعی

1. Primal scene
2. visceral

می‌شود را بگو، همین! روانکاو بیمار را بازجویی نمی‌کند و یا از او توقع ندارد که معنای خوابش را بگوید. بلکه بیمار در متن رؤیای خود غوطه‌ور می‌شود تا از شکل کلی آن ایده بگیرد و چیزی بگوید، بی‌آنکه به معنای آن آگاهی چندانی داشته باشد؛ درست همانند آن رؤیابین درون رؤیایش. اما هرچه زمان می‌گذرد و بیمار خطوط فکری متفاوتی را دنبال می‌کند، وحدت رؤیا فرو می‌پاشد و تداعی‌ها او را به جایی بسیار دورتر از تجربه رؤیا می‌کشانند ... و جنبه غیب‌گویانه رؤیا همان وحی مادرانه^۱ که رؤیابین را در بر می‌گیرد و در گوشش سخن می‌گوید و رخدادهای خیالی را در مقابل چشمانش به تصویر می‌کشد، جای خود را به زندگی روانی خود شخص می‌دهد.^۲

فرآیند برونی‌کردن رؤیا در قالب کلمات را می‌توان به عنوان بازنمایی از تعدی خواسته‌های پدرا نه بر قلمرو مادرانه در نظر گرفت؛ اما بولاس این موضوع را هم مورد توجه قرار می‌دهد که تحلیل رؤیا باعث پیوند بالغانه پدر و مادر درونی، و نهایتاً منجر به یکپارچگی ناخودآگاه دو نظم پدرا نه و مادرانه در بیمار می‌شود.^۳

بولاس در کتاب چین در ذهن^۲، این دوگانگی را در یک مقیاس وسیع‌تر بر حسب مقایسه ساختار درون‌روانی و فرهنگی سنن غربی و شرقی بررسی می‌کند. زبان و تفکر غربی واجد انواع تعریف‌شده‌ای از کلمات با نقش‌های متفاوت در جمله است، و بین فاعل و مفعول تمایزی آشکار قائل است، و موجب دقت و صحت و سازماندهی مشخص می‌شود. بنابراین نظمی پدرا نه بر آن حاکم است. اما در تمدن‌های شرقی به خصوص آنهایی که از چین باستان منشعب شده‌اند، زبان نوشتاری و گفتاری‌شان ریشه در دیدی کل‌نگر و مادرانه دارد. هر حرف چینی شامل یک‌دسته تصاویر تداعی‌کننده است که در کنار هم می‌آیند تا معانی ذاتاً پیچیده‌ای را برسانند که برای هر فرد طنین معنایی متفاوتی خواهد داشت. بولاس می‌نویسد:

گفتمان شرقی مبهم و دو پهلو است و انتقال پیام با مشارکت طرفین ساخته

1. Maternal oracle
2. China on the mind